

تحلیل انتقادی برداشت کثرت گرایی از آیه ششم سوره کافرون، بر اساس شیوه فهم درون متنی و برون متنی^۱

<https://doi.org/10.22034/pke.2025.20525.1962>

غلامعلی مقدم

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، مشهد، ایران.

Gholamali Moqaddam

Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.

dr.moghadam@razavi.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-7281-8897>

¹. Critical Analysis of the Pluralistic Interpretation of Verse 6 of Surah Al-Kafirun Based on Intratextual and Extratextual Understanding

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰
انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

Article Type: Research Article
Received: 03 February 2025
Received in revised form: 02 Mars 2025
Accepted: 09 April 2025
Available online: 23 August 2025

چکیده

مساله کثرت گرایی در اعتقاد نظری و برنامه عملی از مسائل قدیمی تاریخ مواجهه با ادیان است که در دوره های اخیر به جهت اسباب و اغراض مختلف مجدا مورد توجه و بحث قرار گرفت. کثرت گرایی معانی و ابعاد مختلف دارد و طرفداران کثرت گرایی در اثبات آن به ادله ای از جمله مضامین دینی و آیات قرآنی تمسک کرده اند، بسیاری از این دعاوی و ادله آن غالبا مورد بررسی و نقد و ابطال قرار گرفته است، یکی از آیاتی که کمتر مورد بحث قرار گرفته، آیه ششم سوره کافرون: «دین شما برای شما و دین من برای من» است. طرفداران کثرت گرایی معتقدند این آیه کثرت گرایی در حقانیت و صدق را تأیید نموده، برای ادیان و اعتقادات مختلف بهره ای از صدق قائل شده و کثرت ادیان را پذیرفته است. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا مبتنی بر شیوه های رایج فهم قرآن، برداشت این مدعا از آیه صحیح است و بر فرض اشکال، چه نقدی بر آن وارد است؟ در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، ضمن توضیح دو شیوه برداشت یعنی استفاده از قرائن دورنی و اعتماد به قواعد موید بیرونی، برداشت کثرت گرایی از آیه را از جهت انطباق با این دو شیوه مورد بررسی قرار داده و تلاش کردیم این فرضیه را اثبات کنیم که چنین برداشتی نه با تکیه بر سیاق و قرائن درونی و نه با اتکا بر قواعد عام بیرونی، قابل قبول نیست.

کلمات کلیدی: آیه ششم سوره کافرون، کثرت گرایی دینی، نقد کثرت گرایی، روش فهم قرآن

(1) مقدمه

کثرت گرایی ابعاد مختلف و متنوعی دارد که برخی از آنها مانند کثرت گرایی در فهم اجتناب ناپذیر و قابل قبول است. برخی ابعاد آن نیز مانند حقانیت به این معنا که دو یا چند اعتقاد، حق کامل باشند قابل پذیرش نیست. برخی جهات کثرت گرایی مانند نجات بخشی نیز قابل بحث

است. مسئله مورد نظر در این مقاله بیشتر ناظر به نفی کثرت گرایی در حقانیت دو فکر یا دین متعارض و متقابل است. در دوران اخیر این مسئله در غرب مسیحی و سپس در میان مسلمانان مجدداً مورد توجه قرار گرفته است.

در حوزه معارف اسلامی طرفداران این دیدگاه، گاه به برخی از آیات قرآن استناد جسته اند. یکی از این آیات آیه شریفه سوره مبارکه کافرون است که می فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٍ» (کافرون، 1-6). مطابق برداشت کثرت گرایانه اینکه قرآن دین مخالفان را برای آنها پذیرفته، بهره ای از حقانیت نیز به آن داده و آنها را در انتخاب هر کدام آزاد گذاشته است: «معتقدان به کثرت گرایی در حقانیت و سعادت با استناد به فقره اخیر «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٍ» چنین برداشت کرده اند که مراد آیه این است که هر کسی می تواند هر دینی را اختیار نموده و به سعادت برسد. توسل به این آیه اگر چه مانند دیگر آیات مورد بحث در این باره خیلی زیاد نیست، یا از منابع عمومی گزارش شده، اما اصل تمسک کثرت گرایان در برخی ابعاد از جمله حقانیت، در نوشته های مدافعان قابل مشاهده است و در مواردی برای اثبات کثرت گرایی به آن استناد شده و یا مورد بررسی قرار گرفته است: «تکثر گرایان با استناد به آیه پایانی این سوره (لکم دینکم ولی دین؛ دین شما برای خودتان و دین من برای خودم) ادعا می کنند قرآن کریم پلورالیسم دینی را تایید می کند و پیام سوره کافرون این است که هر کس می تواند دین دلخواه خود را برگزیند» (اسلامی علی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵). کثرت گرایان با استناد به آیه پایانی سوره کافرون لکم دینکم الدین در پی اثبات حقانیت پلورالیزم دینی هستند (ر. ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹، یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۹۰، روزنامه خرداد آبان ۱۳۷۸، هفته نامه هویت خویش اردیبهشت ۱۳۷۸، روزنامه صبح امروز شهریور ۱۳۷۸، اسلامی، علی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶).

آیه شریفه از جهت دلالت بر این معنا قابل طرح است و می تواند به عنوان محل نزاع تقریر و بررسی شود. زیرا ظاهر آیه چنین مضمونی را القا می کند. لذا علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه شریفه مسئله حقانیت کثرت گرایی در دین و عدم دخالت و تعرض به یکدیگر را مطرح کرده اند: «ممکن است به ذهن کسی برسد که این آیه مردم را در انتخاب دین آزاد کرده، می فرماید هر کس دلش خواست دین شرک را انتخاب کند، و هر کس خواست دین توحید را برگزیند. و یا به ذهن برسد که آیه شریفه می خواهد به رسول خدا (ص) دستور دهد که متعرض دین مشرکین نشود» (طباطبایی، 1374، ج 20، ص 647).

بنابر این مساله این است که با نظر به شیوه های رایج فهم، آیا این قبیل آیات می توانند به عنوان مویدی بر برخی ابعاد کثرت گرایی مانند حقانیت و سعادت و نجات مورد استناد قرار گیرند؟ در این مقاله به روش تحلیلی تلاش شده است تا محل نزاع بر اساس معیارها و روش های متعارف در فهم قرآن مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین اشکالات برداشت مذکور تبیین گردد.

برای این منظور و بعد از ذکر تاریخچه بحث، ابتدا دیدگاههای مشهور در ذیل آیه ذکر و سپس برداشت کثرت گرایی حقانیت و سعادت از آیه شریفه و انطباق آن با موازین رایج مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

2) تاریخچه و پیشینه تحقیق

توجه به مسائل جدید کلامی مانند کثرت گرایی و پیدایش آثار مرتبط با آن از گذشته دور مطرح بوه و در دوران اخیر به جهت مقتضیات سیاسی و اجتماعی زمانه، فراز و نشیب هایی داشته است. چنانکه در ایران در دوره ای متناسب با مطالبات فکری اجتماعی، جهت و جایگاه علمی این سنخ مسائل از مجامع علمی چون حوزه و دانشگاه به سطح زندگی عملی و روزمره

مردم منتقل شده و در رسانه های عمومی مانند مجلات، خبرگزاری ها و روزنامه ها مطرح گردید. عده ای با اهداف اجتماعی و سیاسی برای قبولاندن این نوع نگرش به توده افراد جامعه تلاش کردند با چنین تعبیری قرآن را طرفدار تفکر پلورالیزم جلوه دهند: «قرآن صریحا اصل «عیسی به دین خود، و موسی به دین خود» را تایید می کنند و هرگز اهل کتاب یا حتی کافران و مشرکان را طرد نمی کنند. مسلمان نبودن عیب و عار نیست و مسلمان بودن هم شرط لازم رستگاری نیست. خداوند خودی و غیرخودی نمی شناسد؛ زیرا قرآن می فرماید: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم). هرکسی می تواند به دین خودش تدین داشته باشد و اجباری در اسلام آوردن نیست (نقل از اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶، رک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹). طبیعی است که این فضا سازی و تبلیغ در رسانه ها با زبان خطابی و بیان عرفی بر افکار عموم مردم که ذهن آنها در مقابل مسائل علمی و شبهات فکری مسلح نیست و قدرت تجزیه و تحلیل بالایی ندارند و بویژه بر نسل نوجوان و جوان اثر گذار است.

ادعای اثبات کثرت گرایی با استناد به معارف دینی و آیات و روایات، بعد از طرح و تبیین توسط طرفداران از سوی برخی نویسندگان و محققان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که همه این نگاشته ها را می توان به عنوان پیشینه بحث مورد توجه قرار داد: کتاب «قرآن و پلورالیزم» (قدردان قراملکی؛ ۱۳۸۰) که در فصول مخلف درباره مبانی قرآنی انحصار صراط مستقیم به اسلام و قرآن؛ بردباری مذهبی و اجتماعی و توهم دلالت قرآن بر پلورالیزم بحث کرده است، همچنین کتاب «پلورالیزم دینی و قرآن» (ابراهیمی؛ ۱۳۹۰) که درباره رویکردهای مختلف به تعدد ادیان؛ پلورالیزم دینی از منظر قرآن؛ ادله قرآنی طرفداران پلورالیزم دینی و نقد آن؛ ادله قرآنی طرفداران پلورالیزم نجات و نقد آن به گفت و گو و بحث پرداخته است. نیز کتاب «صراط مستقیم» (نقدی بر صراط های مستقیم) (نیکزاد؛ ۱۳۸۹) که نقدی بر بازتاب نظریه کثرت گرایی دینی در ایران است. علاوه بر این کتاب «تحلیل و نقد پلورالیزم دینی» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶)

که به نقد و بررسی دعاوی و ادله پلورالیزم دینی پرداخته است و چند کتاب دیگر از آن جمله است.

مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده که برخی از آنها در این باره قابل توجه است: «پلورالیزم دینی ناسازگار با قرآن» (قدردان قراملکی؛ 1389) که موضع قرآن کریم درباره پلورالیزم دینی را تبیین و نشان داده که آموزه های قرآنی با ادعای تکثر ادیان حق در عرض هم ناسازگار است. مقاله «پلورالیسم دینی و قرآن» (ارسطا، 1381)، که پلورالیسم را از منظر قرآن و با استناد به آیه «لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا» مورد نقد قرار داده است. مقاله «پلورالیسم و قرآن» (محمدی، 1386) که به نقد برداشت کثرت گرایی از آیات قرآن پرداخته و مقاله «قرآن و پلورالیسم دینی» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۰) که برداشت کثرت گرایی از تعبیر صراط و سبیل در قرآن کریم را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

بیش از ده آیه از آیات قرآن کریم، مورد توسل جدی طرفداران کثرت گرایی بوده که در این باره مشهور است و مقالات مذکور نیز غالباً به نقد و بررسی آنها پرداخته اند، در این میان آیه شریفه سوره کافرون از آنجا که کمتر مورد استناد قرار گرفته، کمتر نیز مورد بحث واقع شده است، در مقاله پیش رو احتمال برداشت پلورالیزم از این آیه شریفه موضوع گفتمان و از جهت انطباق با روش های برداشت متعارف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

3) تحلیل مفهومی و تبیین مبادی تصویری بحث

الف) دین: دین معانی و اصطلاحات مختلف مانند راه و روش، آیین، جزا و .. دارد. به تبع در آیه شریفه محل بحث نیز دین به معانی مختلفی تفسیر شده است. یکی از معانی دین که در آیه مورد توجه قرار گرفته همان آیین و عقیده است، دین هر شخص عبارت از همان باورهای اصولی و اساسی است که شخص دارد و بر اساس آن باورها برنامه زندگی خود را تنظیم نموده

و اعمالش را انجام می دهد (ابن عاشور، 1420، ج 30، ص 513) برخی دیگر دو معنای کفر و توحید را از معانی دین در آیه فوق بیان نموده اند که در واقع بیان مصداقی دیگری از همان آئین و عقیده و سبک و سیره است. چنانکه امام فخررازی از ابن عباس در تفسیر «لکم دینکم و لی دین» نقل کرده است که: «لکم کفرکم بالله و لی التوحید و الإخلاص له» کفر شما بخدا برای خودتان و دین توحید و اخلاص برای من است (فخررازی، 1420، ج 32، ص 332) عده ای نیز دین در آیه شریفه را به معنای جزاء دانسته اند که یکی از معانی دیگر دین است. بنابر این معنای آیه این می شود که شما به جزای خود و من به جزای خود خواهم رسید. «أن الدین الجزاء و معناه لکم جزاؤکم و لی جزائی» (طبرسی، 1372، ج 10، ص 842). به نظر می رسد دو معنای آئین و جزا از معانی محوری دین بوده و دیگر معانی و احتمالات را بتوان با همین دو معنای محوری تبیین نمود. نگرش و عقیده بیشتر به التزامات نظری و سبک و سیره به لوازم عملی ناظر است و تبعیت از هر دینی نتیجه و جزایی خاص خواهد داشت. شما آئین و شیوه و سبک و سیره خود را و و من نیز دین و آئین و شیوه خود را رها نمی کنیم و طبیعی است که در نتیجه هر کدام مطابق با آئین و عقیده خود به نتیجه تکوینی یا تشریعی خاصی خواهیم رسید که جزای دین یا خود دین است.

ب) کثرت گرایی (پلورالیسم):

کثرت گرایی برگردان واژه پلورالیسم است. (حق شناس و همکاران، 1383، ص 1262) پلورالیسم از ریشه پلورال (plural) به معنای کثرت و تعدد و چند جانبه گرایی است. پلورالیسم معنایی عام و عمومی دارد و در ابعاد و مصادیق مختلف قابل طرح است (مشکات، 1398، ص 118). برخی از ابعاد پلورالیسم از لوازم فکری و عملی فرد و اجتماع بوده و امری طبیعی، مقبول و غیر قابل اجتناب اند. چنانکه پلورالیسم به معنای وجود انبیاء و شرایع متعدد، در زمانهای

متعدد و مخاطب‌های گوناگون، با سطوح مختلفی از فهم و تفسیر، امری صحیح و قابل قبول است. (سبحانی‌تبریزی، 1381، ص) یا کثرت‌گرایی در ذوق و سلیقه و میل و انتخاب و قالب زندگی و آداب و سنن و سبک معاش و امور متغیر زمانی و مکانی و ... غیر قابل انکار است. لکن کثرت‌گرایی وجوه مورد اختلاف و محل تامل و تردید و منفی نیز دارد که در اینجا یکی از ابعاد منفی آن تحت عنوان کثرت‌گرایی در حقانیت محل بحث است. مراد از کثرت‌گرایی در محل بحث، معنایی خاص و ناظر به مدلولی دینی است که از حقانیت و صدق مطلق و همزمان چند اعتقاد و آیین و حق‌انگاری ادیان در زمان واحد سخن می‌گوید به این معنا که همه ادیان و مذاهب از حقانیت برخوردارند (سبحانی، 1391، ص 77) پس برای رسیدن به حقیقت و به تبع نجات و رستگاری، اذعان و اعتراف به حقانیت یک دین لازم نیست. بلکه همه ادیان برخوردار از حقانیت، بلکه عین حقیقت اند (جان‌هیک، 1378، ص 85) «کثرت‌گرایی دینی نظریه‌ای است معرفت‌شناسانه و دین‌شناسانه در باب حق بودن ادیان و محق بودن دین داران» (سروش، 1377، ص الف) محصول نهایی سخنان آنها این است که صراط مستقیم در انحصار یک دین خاص نیست، بلکه هر یک از ادیان می‌توانند از حقانیت یکسانی برخوردار باشند. (رک: سروش، 1377).

این معنای از کثرت‌گرایی که از آن به حقانیت عرضی ادیان تعبیر می‌شود، محل بحث و مورد تردید و انکار است. اگر چه کثرت‌گرایی در حقانیت طولی به این معنا که هر کدام از ادیان بلکه هر کدام از شیوه‌ها و برنامه‌های مختلف زندگی، بهره‌ای از صحت و درستی و حقانیت دارند، اما دین کامل و حق مطلق و برنامه تام تنها یک دین است، مورد قبول و تایید است.

4) آیه شریفه سوره کافرون و تحریر محل نزاع

چنانکه گفتیم طرفداران کثرت گرایی در اثبات حقانیت عرضی ادیان مختلف به آیات مختلف قرآن از جمله آیه شریفه «لکم دینکم و لی دین» استناد کرده اند (ر. ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹، اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶، یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۹۰، روزنامه خرداد آبان ۱۳۷۸، هفته نامه هویت خویش اردیبهشت ۱۳۷۸، روزنامه صبح امروز شهریور ۱۳۷۸). مطابق شان نزول های نقل شده، سوره مبارکه کافرون درباره برخی از سران شرک مانند «ولید بن مغیره» و «عاص بن وائل» و «حارث بن قیس» و «امیه بن خلف» نازل شده است. آنها روزی خدمت پیامبر آمده و گفتند: ای محمد تو از دین ما پیروی کن و ما هم از دین تو پیروی می کنیم، مثلاً یک سال تو خدایان ما را پرستش کن و یک سال ما خدای تو را پرستش می کنیم، اگر آنچه تو آورده ای از آنچه در دست ماست، بهتر باشد، پس ما در همین یک سال از دین برتر تو، بهره برده ایم. و اگر آنچه در دست ما است از دین تو بهتر باشد، تو در این مدت از دین ما بهره برده ای. پیامبر فرمود: به خدا پناه می برم که شریکی برایش قایل شوم. آنها پیشنهاد دیگری مطرح کرده و گفتند: تو خدایان ما را استسلام کن و دست بر آنها بکش، تا ما نیز در مقابل، خدای تو را تصدیق کرده و بپرستیم. حضرت فرمود: در این باره صبر می کنیم. لذا منتظر امر الهی ماندند، تا اینکه سوره مبارکه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» نازل شد. آن حضرت به مسجد الحرام رفته و سوره کافرون را بر قریش خواند. قریش مأیوس شده و به آزار آن حضرت و اصحابش ادامه دادند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۴۰).

در این آیات خداوند از زبان پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «دین شما برای خودتان و دین من برای خودم». اگر این آیه چنانکه برخی معتقدند، با آیه قتال در سوره توبه نسخ شده باشد (ر. ک: تستری، ۱۴۲۳، ص ۲۰۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۶۲۹؛ دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۵۲۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۱۷) از محل نزاع و استشهاد خارج و مربوط به شرایط ابتدایی است که قرآن با توجه به وضعیت مسلمانان، به مماشات و تساهل و تسامح و عدم قتال با کفار حکم

داده است، اما بعد از قدرت پیدا کردن مسلمانان و کاهش خطر مشرکین، این آیه با آیه قتال نسخ شده و دستور به مقاتله با آنها صادر شده است «واقتلوهم حیث و جدتموهم» (توبه: 5) اما اگر این آیه نسخ نشده باشد (رک: طبرانی، 2008م، ج 6، ص 573؛ حائری طهرانی، 1338، ج 12، ص 246) در محل بحث داخل است، زیرا یکی از معانی محتمل آیه این است که ما و شما کاری به کار هم نداشته باشیم، دین و آیین و روش شما برای شما مقدس و محترم باشد و دین و آیین من هم برای خودم معتبر و مقدس باشد، ما هر کدام می توانیم درستی و حقانیت روش و دین دیگری را برای خودش بپذیریم، دین شما برای شما درست است و دین من برای خودم. آیه شریفه با این برداشت، اشعار به پذیرش حقانیت در روش و آیین دارد و ممکن است به عنوان موید و دلیل بر تکرر حقانیت عرضی ادیان مورد استفاده قرار گیرد (رک: جوادی آملی، 1387، ص 222).

آیا می توان این معنا را از آیه برداشت نموده و آیه شریفه را شاهی بر پذیرش حقانیت عرضی ادیان دانست، در نتیجه چنین ادعا کرد حق تعالی راه های باطنی هدایت را در نهاد انسانها قرار داده و محرک های بیرونی مانند انبیاء و اولیاء و معجزاتی نیز برای شکوفایی آن فطرت حقیقت جو ارسال کرده است. هم آن فطرت نهاده شده در انسان و هم این معارف ارائه شده به انسان، هر دو محل تکرر و موضع تعدد و مقتضی تنوع اند، هر کس از مسیری حقیقت را دنبال می کند و به دست آوردی متفاوت در این حوزه می رسد، لکن همه این مسیرها و تمام این دست آوردها حق است و انسان ها از دیدگاه معارف قرآنی نباید بر سر محصول و نتیجه نهایی حقیقت دعوا و نزاع کنند، برای رسیدن به حقیقت راههای مختلف وجود دارد، برای هر کسی همان مسیری که او را به حقیقت رسانده و محصولی که به بار آورده حجت و معتبر است. چنانکه آیه شریفه دین پیامبر را برای پیامبر و دین کفار و مشرکان را برای مشرکان به رسمیت

شناخته و از نزاع و جدال در این باره پرهیز داده است. در ادامه به نقد این برداشت و استناد می پردازیم.

5) برداشت تکثر گرایی از آیه ششم سوره کافرون در انطباق با شیوه های فهم

بعد از تحریر نزاع، خوبست دلالت آیه بر ادعای تکثرگرایی و انطباق برداشت مذکور بر قواعد فهم و شیوه های متعارف استنباط مورد بررسی قرار گیرد. چنانکه می دانیم واقعیت مشتمل بر درجات مختلفی از ظهور و بطون است. کلام نیز که حکایت گر واقع است، دلالت بر لایه های متعددی از معانی دارد که برخی از آنها قریب، برخی متوسط و برخی معنای بعید به شمار می روند، بنابر این ممکن است در نگاه بدوی، از یک کلام معانی محتمل زیادی به ذهن شنونده خطور کند، اما همه این معانی قریب و بعید، مورد تأیید قواعد متعارف فهم و مبتنی بر شیوه های رایج برداشت از گفتار یا متن نیستند، این مطلب درباره برداشت از آیات قرآن نیز صادق است، از این رو باید برداشت تکثرگرایی از آیه ششم سوره کافرون را بر شیوه های متعارف برداشت از قرآن کریم عرضه نموده و میزان پای بندی و هماهنگی آن را با شیوه درست استنباط از قرآن، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم.

با توجه به این مطلب یعنی وجود لایه های مختلف واقع، وجوه متنوع کلام و درجات متعدد فهم، مساله کشف معنا و شیوه برداشت و قواعد استنباط و معیارهای درک از مسائل دشوار و پیچیده است. این تنوع برداشت ها از ظاهر گرایی محض تا باطن گروی و تاویل گرایی افراطی را شامل می شود. معیارهای تشخیص ظهور نیز محل اتفاق نبوده و قواعد و ضوابط مختلفی در این باره ارائه شده که بحث درباره آنها از محل بحث بیرون است، صرف نظر از این اختلاف، به نظر می رسد یکی از راههای اطمینانی کشف معنا، توجه به قرائن درونی و تکیه بر قواعد بیرونی است. با رعایت این دو شاخصه شاید بتوان برداشت اطمینانی و قابل قبول از یک متن انجام داده

و نیز برداشتهای مختلف را مورد ارزیابی قرار داد. در ادامه ضمن توضیح این دو شاخصه، هماهنگی و انطباق برداشت کثرت گرایی از آیه شریفه را بر قرائن درونی و سیاقی و قواعد بیرونی و فرامتنی مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) برداشت کثرت گرایی و انطباق بر فهم سیاقی و درونی متن

یکی از رایج ترین و مطمئن ترین شیوه های برداشت از کلام گوینده که مبتنی بر قواعد فهم متعارف نیز هست، برداشت معنا با توجه به فضا و سیاق کلام است. مراد از سیاق همان فضای صدور و شواهد و قرائن همراه با آن است که جهت معنایی خاصی در کلام ایجاد می کند. گاه یک کلام در دو فضا و سیاق متفاوت، دو معنای مختلف خواهد داشت: «قرآن به تدریج و در مناسبت های مختلف نازل شده و گاهی مجموعه ای از آیات در مناسبت خاصی نازل شده است که لازمه آن وجود رابطه ذاتی بین آنها می باشد که در اصطلاح سیاق آیه است» (معرفت، 1415، ج 5، ص 239). سیاق یا همان فضا و بستر صدور کلام جهت دهنده معنا و معین کننده آن از میان معانی و احتمالات مختلف و قرینه ای برای رسیدن به حقیقت معنای لفظ است (رشیدرضا، 1414، ج 1، ص 22) با رعایت ضوابط سیاق و توجه به قرائن و شواهد و مویدات کشف صحیح مراد خداوند میسر می گردد (نکونام، 1378، ص 55). با این حساب سیاق و قرائن موجود در آن، بستری است که نطفه کلام در آن منعقد شده و به رشد و شکوفایی معنایی می رسد، عدم توجه و نادیده گرفتن سیاق، هماهنگی و تناسب معنای کلمه ها و جمله ها را خدشه دار و فهم درست از آیات را با مشکل مواجه نموده و انحراف از راه صحیح فهم مراد خداوند را به دنبال دارد (سبحانی، 1382، ص 29). رجوع و اتکاء به قرائن سیاقی، قاعده ای عرفی، عقلی و شرعی است و آیات قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنی نیست.

با توجه به قرائن موجود و سیاق سوره مبارکه کافرون آنچه از آیه قابل برداشت است، و در فضای مکالمه و گفت و گو و جدال احسن میان پیامبر و مشرکان می توان پذیرفت، این است که آیه به دنبال تعیین مرز حق و باطل میان پیامبر و مشرکان است و دلالتی بر کثرت حقانیت دو شیوه ندارد، حسب سیاق و شان نزول پیشگفته، سخن از حقیقت جویی یا اذعان به واقعیت توسط مشرکان و تایید متقابل حقانیت آنها توسط پیامبر نیست. بلکه بحث از اثبات حقانیت دین پیامبر و نفی آیین مشرکان و نفی و واگذاری آنها به حال خودشان است.

مشرکان بدون پذیرش نبوت و توحید، و اطاعت از خداوند و رسول، و با بقای بر دین و آیین خود به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد شراکت در دین و آیین داده اند. آنها از روی عناد و لجاج بزرگترین حقایق عقلی و شرعی را انکار کرده بودند، معجزات حسی و معنوی پیامبر را نادیده گرفته بودند، هرگز حقانیت پیامبر را تایید نکرده بودند و محصول شراکت آنها با پیامبر ترکیبی از حق و باطل بود که بر اساس این شراکت به زعم آنها پیامبر از حق خود گذشته و به باطل آنها که بت پرستی و شرک بود اذعان کند و آنها در مقابل از بخشی از دین باطل خود دست برداشته و به دین حق پیامبر اعتراف نمایند.

لذا تعبیر آیه شریفه به معنای تایید حقانیت آنها در عرض حقانیت پیامبر اکرم نیست. کسی که حس و عقل خود را تعطیل کرده و از راه تعصب و عناد و لجاج و تقلید به محاجه و مشاقه پیامبر پرداخته، چه بهره ای از حقیقت و حقانیت و سعادت دارد، تا بر اساس تکثر گرایی بتوان او را با پیامبر در این امور شریک دانست. در آیه شریفه چنانکه بسیاری از مفسرین توجه داده اند، دین حق پیامبر در مقابل شیوه باطل آنها قرار دارد و خداوند از زبان رسول خود در پاسخ به پیشنهاد شراکت آنها می فرماید: بگو دین و شیوه {باطل} شما برای خودتان و دین {حق} من هم برای خودم. «من از طرف خدای متعال مامورم که دین خدا را تبلیغ نمایم، با انجام مامویت تکلیف از عهده من خارج است و اصرار شما بر کفر فقط به ضرر خودتان است».

(فخررازی، 1420، ج 32، ص 333). «به درستی که من پیامبرم و برانگیخته شدم تا شما را به سوی حق دعوت کنم، پس اگر از من قبول نمی کنید و از من تبعیت نمی کنید دعوت من کافی است و مرا به سوی شرک نخوانید.» (زمخشری، 1407، ج 4، ص 809).

آنچه مشرکان می خواستند همین کثرت گرایي در حقانیت و صدق بود و قرآن در آیه شریفه آن را باطل نمود، آنها می خواستند ادعای خود یعنی صحت و حقانیت راه و روش خود در کنار راه و روش و دین پیامبر را اثبات کنند، پیامبر را به قبول و پذیرش و تأیید دین خود دعوت کردند و لذا خواستند که پیامبر با آنها در شرک یا کفر یا بت پرستی و هر چیز دیگری شریک شود و صدق مدعای آنها را تأیید کند، در مقابل آنها هم با پیامبر در قبول دین اسلام مشارکت کنند، پیامبر معبود آنها و آنها معبود پیامبر را به رسمیت بشناسند، با این کار هر دو دین از صدق و حقانیت بهره مند باشد. پیامبر با قبول این پیشنهاد می بایست کثرت گرایي را بپذیرد و صدق و حقانیت تکثر در راه و روش و دین را تأیید کند.

اما قرآن این معادله را باطل کرد، پیامبر اکرم (ص) در مقابل این پیشنهاد تکثرگرایانه، از راه و روش و دین و آیین آنها بیزاری جست، و حاضر نشد برای دین مشرکان ذره ای حقانیت و صدق به رسمیت بشناسد، اگر این آیه تأیید بر کثرت گرایي بود، لازم بود پیامبر راه آنها را نیز به حسب اعتقاد و نگرش خودش مورد تأیید قرار دهد؛ مثلاً بگوید آیین شما برای شما و من و آیین من برای من و شما قابل قبول است، نه اینکه دین آنها و حجیت و اعتبارش را به خود آنها واگذار کرده و از تأیید آن تبری جوید و دین خودش را به عنوان دین انحصاری برای خودش تأیید کند.

پس حسب فضای صدور و قرائن موجود در خود آیه شریفه، این آیه و پیام سوره در واقع ابطال تکثرگرایي عرضی در حقانیت و دعوت به توحید است: «بعضی خواسته اند از این سوره استفاده کنند که هر کس به دین خود پای بند باشد و رسول خدا هم به دین خود پای بند باشد،

پس دین هر کس حق است. در حقیقت این آیات در مقام رد تکثرگرایی است نه اثبات آن؛ به عبارت دیگر: قرآن نمی گوید: هم دین شما حق است و هم دین من و در نتیجه کثرت حق باشد، بلکه کثرت گرایی را نفی می کند.» (جوادی آملی، 1387، ص 222)

یکی دیگر از مویذات سیاقی که برداشت کثرت گرایی حقانیت از این آیه را ابطال می کند. ذکر همین مضمون در دیگر آیات قرآنی است که با برائت و اظهار نفرت پیامبر اکرم از دین و شیوه و عمل مشرکان همراه شده است. در آیه مبارکه سوره یونس آمده است که «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ؛ یا محمد (ص) اگر کفار تو را تکذیب نمودند بگو: رفتار من برای خودم و رفتار شما برای شما باشد. شما از رفتار من بیزار و من از رفتار شما بیزارم» (یونس، 41). اگر در این آیات و نظائر آنها سخن از حقانیت و تایید شیوه و دین و عمل مشرکان باشد، چگونه پیامبر از برنامه عملی و شیوه مشرکان که یکی از معانی دین و مرادف بادین و آئین است ابراز نفرت و برائت می کند.

قرآن می فرماید: «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ، پس هر چه را غیر از او می خواهید، بپرستید» (زمر، 15) یا در جای دیگر می فرماید: «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ» (فصلت، 40) (ابوالفتوح رازی، 1408، ج 20، ص 437) این سنخ آیات نوعی هشدار و وعده به عذاب است، قرآن در آیه 41 سوره یونس می فرماید: «شما از کار من بیزارید و من از کار شما بیزارم». (مغنیه، 1424، ج 7، ص 618) «و هذا إن كان ظاهره إباحة لکنه وعید و تهدید و مبالغه فی الزجر» (حائری طهرانی، 1338، ج 12، ص 246). در آیات تقابل با کفار و مشرکان، قرآن با این لحن کفار را تهدید کرده است که عاقبت جزای عناد و لجاج و عدم پذیرش دین حق را خواهید دید. نه اینکه دین و آئین ایشان را تصدیق و امضاء نموده باشند (رک: فخر رازی، 1420، ج 32، ص 332؛ طبرسی، 1372، ج 10، ص 842).

صدها آیه در قرآن وجود دارد که شرک را در تمام اشکالش محکوم نموده، از هر کاری منفورتر می‌شمرد، و گناهی نابخشودنی می‌داند. (مکارم شیرازی، 1371، ج 27، ص 390) به تعبیر علامه طباطبایی دعوت حقه‌ای که قرآن متضمن آن است، توهم تأیید مشرکان را دفع می‌کند. (طباطبایی، 1374، ج 20، ص 647)

علاوه بر اینها، برداشت کثرت گرایانه از آیه با روایاتی که در سیاق این آیات از رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) با مضمون براءت و بیزاری از شرک و تکیه بر توحید نقل شده و تفسیر واقعی آیات به شمار می‌آیند، در تعارض است؛ فروه ابن نوفل از پدرش نقل می‌کند که نزد پیامبر اکرم (ص) رفته و به پیامبر می‌گوید آمده‌ام تا چیزی به من بیاموزی که هنگام خواب آن را بخوانم، پیامبر در اجابت درخواست او فرمود: هرگاه در بستر خواب وارد شدی سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخوان و بعد از خواندن آن بخواب زیرا این سوره براءت از شرک است، (عروسی حویزی، 1415، ج 5، ص 686) همین مضمون در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نیز وارد شده است که حضرت با قرار دادن سوره مبارکه کافرون در کنار سوره توحید فرمود: هنگام خواب سوره «قل هو الله احد» و سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخوان زیرا این سوره براءت از شرک است (مجلسی، 1403، ج 73، ص 195) تأکید بر توحید و براءت از شرک در روایات ناظر به تفسیر که خود از جمله قرائن سیاقی است نشان می‌دهد که راه منحصر به فرد حقانیت و سعادت، اقرار به توحید و التزام به همه مراتب علمی و عملی آن است و این راه با شرک و همه مراتب علمی و عملی آن در تقابل و تعارض است، به گونه‌ای که اثبات و اقرار به توحید براءت از شرک و ابطال آن به شمار می‌رود، با این حال چگونه می‌توان ادعا کرد که آیه شریفه شرک و دین و آیین مشرکان را تأیید کرده و قرینه‌ای بر اعتبار تکثر گرایی به شمار می‌رود؟

بنابر این روشن می شود که برداشت کثرت گرایی عرضی در حقانیت بر اساس شیوه فهم سیاقی از آیه شریفه امکان پذیر نیست. زیرا سیاق آیات قرآن و روایات شان نزول و تعبیر ظاهری در مجادله پیامبر بامشرکان با تاکید بر مرزگذاری میان حق و باطل سازگارتر است.

ب) برداشت کثرت گرایی و فهم فرامتنی

چنانکه گفتیم کلام مانند واقعیت حقیقتی مشکک و چند لایه دارد، روش های برداشت از کلام و متن نیز متفاوت است. قواعد و معیارهای فهم نیز متنوع و مورد اختلاف است، توجه به قرائن و سیاق درونی یکی از معیارهای قابل اطمینان در انتساب معنا به متن است. در فهم سیاقی قرائن و خصوصیات مانند زمان، مکان، حالات و عوارض، شان و اسباب صدور و ... که کلام را احاطه کرده موجب ایجاد خصوصیت و جهتی در معنا می شوند که تعیین کننده مراد گوینده و مصحح برداشت از متن است.

گاه نیز در بیرون از فضای خاص کلام، قواعد عامی وجود دارد که برداشت معنایی عام از کلام را تصحیح می نماید، این قواعد و شرایط معنایی فراتر از فضای خاص و محدودیت زمانی و مکانی و قرائن و خصوصیات شخصی و اسباب و شان نزول های معین القا کرده و قابلیت تجرید و انتزاع و عمومیت و خروج از فضای محدود خطاب و برداشت معنای عام را فراهم می کنند، یعنی اگرچه ممکن است کلام به حسب ظاهر در فضای خاص و در مورد مشخص صادر شده باشد، اما معنا و حکم آن منحصر در مورد خاص و مخصوص موضع معین نیست. برای مثال قواعدی که از امور عام مانند حقایق و سنت های ثابت هستی و قواعد کلی حاکم بر عالم سخن می گویند، می توانند منشاء برداشتی فرامتنی بوده یا برداشت معنایی از متن را تایید یا آن را ابطال کنند.

مراد از فهم فرامتنی این است که مفسر با تکیه بر این قواعد عام می تواند از سیاق متن و انحصار در مورد، خارج شده و معنای عامتری از آیه برداشت نموده و به قرآن کریم نسبت دهد. گاه قواعد ثابت و سنت ها و حکمت های قطعی، برداشت معنای خارج از متن را تایید می کند، این حقایق ثابت و دائم اگر چه به اشاره یا اختصاص در لفظ آمده باشند، اما در حقیقت قابل تعمیم بوده و اختصاص به مورد ندارند. دانشمندان قرآنی به این نوع برداشت فرامتنی توجه آن را تعریف کرده و قیود و حدود و ضوابط آن را توضیح داده اند. آنها برای برداشت معانی عام معیارهایی ذکر کردند که بر اساس آنها می توان برخی آیات را بر مصادیق و موارد فراتر از متن جری و تطبیق کرد، برای مثال آیاتی که از حقایق و واقعیات و قوانین و سنت های ثابت جهان هستی حکایت می کنند و ورای زمان و مکان و افرادند به عنوان قضایای حقیقیه در همه زمان ها و مکان ها قابل صدق و استفاده اند و مورد برای آنها مخصص نیست، خداشناسی، انسان شناسی، طبیعت شناسی، سنن اجتماعی و... از این جمله اند که موضوع آنها اموری ثابت است و خواننده آن فارغ از زمان و مکان و خصوصیات مورد، می تواند برداشت ها و دریافت های مختلف معرفتی و رفتاری از آنها به دست آورد. (مظفر، 1388، ص 163)

در این سنخ آیات چنانکه در تعبیر روایات آمده، قرآن مانند ماه و خورشید در همه مکان ها زمان ها و برای همه افراد جریان دارد (مجلسی، 1403، ج 89، ص 94) و اصطلاحاً گفته می شود: «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد»، اعتبار به گستردگی لفظ است نه خصوصیت مورد» یعنی می توان خصوصیات مورد را کنار گذاشت و از جنبه های عمومی لفظ بهره گرفت (معرفت، 1392، ص 66-67). در صورتی که معنای برداشت شده خلاف ظاهر آیه نباشد و با قواعد متعارف فهم عمومی هماهنگ باشد، می توان آن را به عنوان یک برداشت فرامتنی پذیرفت. بر خلاف آیاتی که از لحاظ موضوعی و یا ساختاری، مخاطبان خاص داشته یا منطبق بر شرایط خاص و غیر قابل تکرار و تعمیم اند و نمی توان آن را به دیگر موارد و مصادیق سرایت داد.

مانند آیاتی که موضوع و یا مخاطب آن شخص نبی هستند یا فقط مردم زمان نزول‌اند و به اصطلاح مورد درباره آنها مخصص است (مظفر، 1388، ص 163).

بنابر این برداشت هایی که دلیلی بر اختصاص دادن آنها به مورد نداریم، مانعی هم برای تعمیم آنها وجود نداشته باشد، بلکه قواعد عامی برداشت آنها را تأیید کند، اگر چه در خود لفظ به قطعیت و صراحت نیامده باشند، اما چون مبتنی بر قواعد عام جهان شناسی و انسان شناسی یا حکمت ها و سنت های قطعی الهی اند، می توان برداشت آنها را تأیید نمود.

حال باید دید آیا آیه چنین معنای عام و خارج از سیاقی دارد که بتوان آن را از آیه استنباط کرد و آیا این معنا همان معنای مورد نظر کثرت گرایان است؟ آیا کثرت گرایی که حسب قواعد برداشت درونی و توجه به سیاق و قرائن از آیه قابل برداشت نبود، مطابق برداشت فرامتنی از آیه قابل برداشت است؟ یعنی می توان مبتنی بر شیوه بیرونی و خارج از سیاق، مدعای کثر گرایان را به عنوان قاعده ای کلی و عام برداشت کرد و آن را به معارف قرآن نسبت داد.

به نظر می رسد اگر چه آیه چنین معنای عامی دارد و می توان مبتنی بر شیوه فهم فرامتنی القای این معنای عام را ادعا کرد، اما آن معنای عام موجب التزام به تکثر گرایی حقانیت و اثبات صحت و صدق آن نمی شود.

می دانیم که قرآن کریم برنامه ابدی زندگی بشریت بوده و بسیاری از سنت ها و حکمت های ثابت آن اختصاص به زمان و مکان خاص ندارد، قرآن با علم به فطرت ثابت بشری، راهکارهای تعامل فردی و اجتماعی را برای همه انسانها از ازل تا ابد بیان کرده است، معنای عامی که بر این اساس می توان از آیه برداشت کرد، ناظر به یک سنت عام و قاعده کلی در مراودات انسانی اجتماعی و گفتمان های بشری است. از قضا این برداشت فرامتنی نزدیک به همان معنای مطابقی و منطوق آیه است که هم با ظاهر آیه منطبق است و هم قواعد فهم عرفی هم آن را تأیید می کند.

مطابق این برداشت عام که مورد تایید عقل و عرف نیز هست، خوبست همه انسان ها در همه اعصار و امکنه در تقابل با تعصب و عناد و لجاج عامدانه، همین شیوه پیامبر اکرم (ص) را پیش گرفته و از انجام کار بی فایده و ادامه تلاش بی تاثیر پرهیز نموده و با مسالمت راه خود را از گروه معاند و لجوج جدا کنند، قاعده عام و حکم کلی عقل و عرف و شرع نیز همین است. شیوه انبیا و اولیاء نیز هم همین بوده است.

لحن آیه ششم سوره کافرون نیز بیانگر همین قاعده عام یعنی اعتزال مسالمت آمیز از اهل عناد و لجاج است. مضمون آیه شریفه در پی داوری و قضاوت در حقانیت و صدق یا جمع و مشارکت میان ادیان در حقانیت نیست. گویا پیامبر می فرماید: در شرایط کنونی مشاجره ما و شما فایده ای ندارد، آیین من برای خودم و آئین شما ارزانی خودتان باد، این سنت اجتماعی و قاعده عام را که موید این برداشت فرامتنی از آیه است، می توان در آیات دیگری نظیر آیه 55 سوره قصص نیز مشاهده کرد: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ» (قصص، 55). «مؤمنان هر گاه سخن لغوی را بشنوند از آن روی می گردانند، و می گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای خودتان، سلام بر شما (سلام وداع و جدایی) ما طالب جاهلان نیستیم».

این شواهد مؤید همان معنای عام و حکم عرفی و عقلی و منطقی است که در برابر کسانی که اهل عناد و لجاج هستند و ادامه گفت و گو با آنها و تبیین حقیقت فایده ندارد و موجب عداوت و کینه ورزی بیشتر آنها می شود. بهتر است با مسالمت از نزاع و مجادله با آنها حذر کرد و البته آنها را به سرانجام شوم افکار و اعمال باطل شان تذکر داد. قرآن کریم گاهی پیامبر اکرم را از اعتناء بیش از حد و حرص بر جذب معاندان و زجر و سختی بیش از اندازه در این راه نهی می کند: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعرا، 3) «طه ما اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه، 1-2) زیرا خداوند راه را به نحو روشن به انسان ها معرفی کرده

است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره، 256) و به کمک عقل باطنی تأیید نموده است، کار پیامبر اکرم دعوت و ابلاغ است و سطره و الزامی بر کسی ندارد: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه، 21). به تعبیر قرآن بیشتر مردم تابع غرایز و هوی و هوس و خالی را تفکر و تعقل اند و هر چه پیامبر برای هدایت آنها حرص بخورد، ایمان نمی آورند: «وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ» (یوسف، 103). خداوند می فرماید: هر چه تلاش کنی عده ای نسبت به حقایق کر و کورند: «وَلَا تُسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ» (نمل، 80) بلکه اصرار زیاد، مقاومت روانی ایجاد می کند و بر عناد و لجاج می افزاید، چنانکه امیرالمومنین (ع) فرمودند: «الافراط فی الملامه یشب نیران اللجاجة» افراط در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می کند (مجلسی، 1403، ج 77، ص 214). خداوند با نشان دادن راه و نهادن فطرت و اعلام انبیاء حجت را تمام کرده و نیاز به اصرار بی مورد نیست.

بنابر این و مبتنی بر این شواهد و قرائن که مقتضای قواعد فهم متعارف نیز هست، اگر بخواهیم معنایی عام از آیه برداشت کنیم، آن معنای عام این است که در شرایطی که جدال و کشمکش حق و باطل راه به جایی نمی برد و نتیجه ای ندارد، راه خودتان را از آنها جدا کرده و اهل باطل را به حال خود واگذارید. راه و روش کسانی که عناد و اصرار بر باطل خویش دارند و قابل تغییر نیستند و به استدراج الهی گرفتار شدند، برای خودشان باشد و نیازی به جذب و الزام و اجبار آنها نیست، ندای دین الهی و رسالت و نبوت و معارف و معجزات چیزی نیست که پنهان بماند یعنی به صورت طبیعی این دو راهی و به تعبیر قرآن، نجدین (بلد، 10) برای همه انسانها وجود دارد، بر فرض هم که کسی استعداد و اهلیت داشته باشد و صدای اسلام به او نرسیده باشد، مؤمنان می توانند ایمان را بر او عرضه کنند و وظیفه ای بیش از این ندارند، پیامبر هم به همین شیوه با آنها برخورد کردند. ایمان و حکمت اهلی دارد، همانطور که منع کردن

انسانهای مستعد از ایمان و حکمت جایز نیست، اصرار بر قبول ایمان یا حکمت نسبت به انسان های نا اهل نیز ظلم به ایمان و معارف است.

بنابراین با الغای خصوصیات و تنقیح مناط و صرف نظر از عناصر خاص مانند: شخص رسول و کفار و مشرکان معاند زمان ایشان، می توان معنایی عام و فرامتنی از آیه برداشت نمود و گفت به عنوان قاعده کلی هرگاه انسان مؤمن با انسان های جاهل و معاند که در کار خویش لجاجت می کنند، روبرو شد خوبست از این شیوه و خطاب استفاده نموده و بگویند دین باطل شما برای خودتان و دین حق من برای خودم.

چنانکه می بینیم این معنا هرگز ادعای کثرت گرایی در حقانیت را اثبات نمی کند و به معنای اعطای حجیت و شرعیت یا حقانیت به راه اشخاص مقابل آنگونه که کثرت گرایی ادعا کرده است، نیست. نمی توان از آیه شریفه یا رفتار پیامبر قاعده کلی مطابق عقل و عرف یا سنت های قطعی، برداشت کرد و گفت همه ادیان و راه و روش کفار و ملحدان حق است. دینداران باید به راه و روش و دین مورد اعتقاد خود عمل کنند و به راه و روش و اعتقاد دیگران کاری نداشته باشند، راه دینداران برای خودشان و راه کفار و مشرکان و ملحدان هم برای خود آنها حق و صدق و معتبر است، نیازی به مجادله و مناقشه و نزاع بر سر حقانیت ادیان و راه و روش آنها نیست، زیرا همه ادیان و مکاتب حق اند و موجب هدایت و سعادت پیروان خود خواهند شد. تایید کثرت گرایی و پذیرش حقانیت انسانها و اعتقاد آنها خلاف ضوابط و مخالف عقل و عرف است. زیرا عقل میان حق و باطل تناقض یافته و آنها را با هم قابل جمع نمی داند. چنانکه عرف این آشفتگی و هرج و مرج در حقیقت و راههای رسیدن به آن را تایید نمی کند.

خاستگاه کثرت گرایی

چنانکه گفتیم برداشت کثرت گرایی از آیه با نظر به قرائن درونی و قواعد بیرونی ممکن نیست. چنین برداشتی نه با قرائن و شواهد پیشگفته در آیات و روایات و شان و اسباب نزول، همآهنگ است، نه با قواعد کلی و عمومی فهم بیرونی متعارف سازگار است. بلکه ادعایی خارج از مدلول مطابقی و تضمینی و التزامی آیه است و هیچ قرینه و شاهد درونی و بیرونی آن را تأیید نمی کند.

این برداشت برخاسته از روح نسبی گرایی همه جانبه در واقعیت و معرفت است که در سالهای اخیر به عنوان زیربنای فکری فرهنگ انسان محور گسترش پیدا کرده است. بر این اساس حقیقت و مطابقت با واقع و شناخت اموری نسبی و وابسته به عقیده و انتخاب انسان ها بوده و واقعیتی و رای برداشت های مختلف انسان ها وجود ندارد، مراد چنین آیاتی در این برداشت، همان مفهوم «صلح کل» است که به هرکس اجازه می دهد مطابق دین و مرام خود بر آئین خود باقی بماند (مکارم شیرازی، 1371، ج 27، ص 390)، همه اعتقادات و ادیان و آئین ها حق اند و کسی حق ندارد دیگری را به ترک راه و روش خاص یا دعوت به راه و روش مخصوصی امر و نهی کند، دین هر کسی برای خودش حجت و حق است. آیه شریفه نیز به همین مطلب اشاره کرده است.

این نوع تفکر اگر چه در دوران اخیر که نسبی گرایی معرفت و حقیقت، راه افسار گسیختگی های عملی را هموار می کند، مجددا طرح و تقویت شده، اما تازگی ندارد و از قدیم مطرح بوده است: «اگر گفته شود بنابراین آیا پیامبر به آنها اجازه کفر داده است؟ پاسخ می دهیم که هرگز چنین نیست، پیامبر اکرم جز برای مبارزه با کفر مبعوث نشده است، چگونه اجازه کفر به آنها می دهد» (فخر رازی، 1420، ج 32، ص 332)

طبیعت انسان چنین است که نمی تواند بین میان روح حقیقت جویی و کمال طلبی و مطلق گرایی که در نهاد و فطرت او قرار داده شده با ابعاد غریزی و خواسته های نفسانی جمع کند. از این جهت در وجدان خویش گرفتار کشمکش است. انسان به تعبیر قرآن همواره می خواهد کار خود را توجیه و راه خود را باز کند: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرَهُ أُمَامَهُ» (قیامت، 5) و از تبعات درک حقیقت و عمل به آن شانه خالی کند، از این رو در گذشته با بهانه حجیت عملکرد پدران و تقلید و تعصب و انکار معجزات و ساحر و مجنون خواندن پیامبران و ... از پذیرش حقیقت و مسئولیت های ناشی از آن فرار می کرده و امروزه با ادعاهایی چون تکثر گرایی می خواهد در کشاکش وجدان و فطرت با خواسته های نفسانی، راه و روش خود را توجیه کند.

6) نتیجه گیری

پیرو طرح و توسعه مسائلی چون کثرت گرایی در قالب مسائل کلام جدید، طرفداران کثرت گرایی به برخی آیات قرآن از جمله آیه ششم سوره کافرون برای اثبات کثرت گرایی در حقانیت و صدق استناد کرده اند.

در این مقاله باتبیین دو روش متعارف و مقبول برداشت درونی و بیرونی از قرآن کریم نشان دادیم که برداشت کثر گرایی از آیه شریفه با نظر به قرائن درونی و قواعد بیرونی ممکن نیست. چنین برداشتی نه با قرائن و شواهد پیشگفته در آیات و روایات و شان و اسباب نزول، همآهنگ است، نه با قواعد کلی و عمومی فهم بیرونی متعارف سازگار است و قرائن و شواهد درونی و قواعد و سنت های بیرونی آن را تأیید نمی کند.

این برداشت برخاسته از روح نسبی گرایی همه جانبه در واقعیت و معرفت است که در سالهای اخیر به عنوان زیربنای فکری فرهنگ انسان محور گسترش پیدا کرده است. در این نگاه حقیقت و شناخت اموری نسبی و وابسته به عقیده و انتخاب انسان ها بوده و واقعیتی ورای

برداشت های مختلف انسان ها وجود ندارد، کثرت گرایان می خواهند با این تفکر از پذیرش حقیقت و مسئولیت های ناشی از آن فرار کرده و در کشاکش وجدان و فطرت با خواسته های نفسانی، راه و روش خود را توجیه کند.

منابع

۱. قرآن کریم (ترجمه فولادوند).
۲. ابراهیمی، موسی، (1390). پلورالیسم دینی و قرآن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۳. ابن عاشور، محمدطاهر، (1420). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، مؤسسه التاريخ العربی، لبنان: بیروت.
۴. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (1408). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۵. ارسطا، محمدجواد، (1381). «پلورالیسم دینی و قرآن». فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، دوره 7، شماره 23، ص 112-119.
۶. اسماعیل زاده، ایلقار، (1390). «بررسی پلورالیسم نجات از نگاه قرآن»، بینات، سال 18، شماره 1، ص 204-223.
۷. بابایی، علی اکبر و دیگران، (1379). روش شناسی تفسیر قرآن، تهران: سمت.
۸. تستری، سهل بن عبدالله، (1423). تفسیر التستری، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (1366)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۰. ثعلبی، احمد بن محمد، (1422). *الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. جان هیک، (1378). *مباحث پلورالیزم دینی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تبیان.
۱۲. جوادی آملی، عبد الله، (1387). *دین شناسی*، محقق: محمد رضا مصطفی پور، چاپ: پنجم. قم: مرکز نشر اسرا.
۱۳. حائری طهرانی، علی، (1338). *مقتنیات الدرر*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۴. حق شناس، سامعی و انتخابی، علی، محمد حسین و نرگس، (1383). *فرهنگ معاصر هزار انگلیسی-فارسی*، تدوین: واحد پژوهش فرهنگ معاصر، چاپ سوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. دینوری، عبدالله بن محمد، (1424). *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن*، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
۱۶. رشیدرضا، محمد، (1414). *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت: دار المعرفة.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، (1407). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر، (1382). «روش تفسیر قرآن»، *قبسات*، ش 29.
۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر، (1381). *کثرت گرایی، یا پلورالیزم دینی*، ناشر: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع).
۲۰. سبحانی، جعفر، محمد رضایی، محمد، (1391). *اندیشه اسلامی ج: 2*، انتشارات: دانشگاه پیام نور.

۲۱. سروش، عبدالکریم، (1377)، *صراطهای مستقیم*، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۲۲. سمرقندی، نصر بن محمد، (1416). *تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم*، بیروت: دار الفکر.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، (1374). *ترجمه تفسیر المیزان*، چاپ: 5، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، (2008م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن: دار الکتاب الثقافی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، (1372). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
۲۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (1415). *تفسیر نور الثقلین*، چاپ: چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۷. فخررازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، (1420). *مفاتیح الغیب*، چاپ: سوم، بیروت: احیاء التراث العربی.
۲۸. قدردان قراملکی، محمد حسن، (1380). *قرآن و پلورالیزم*، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۹. قدردان قراملکی، محمدحسن، (1389). «پلورالیزم دینی ناسازگار با قرآن»، *فصلنامه مطالعات تفسیری*، سال اول، شماره 3، ص 49-78.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، (1403). *بحار الأنوار*، مؤسسه الوفاء.
۳۱. محمدی، رضا، (1386). «پلورالیزم و قرآن»، *انسان پژوهی دینی*، شماره 13، ص 49-77.

۳۲. مشکات، عبدالرسول، (1398). فرهنگ واژه‌ها: درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، ناشران: سمت، اندیشه و فرهنگ دینی.
۳۳. مطهری، مرتضی، (1390). مجموعه آثار جلد 1 (عدل الهی، انسان و سرنوشت، علل گرایش به مادیگری)، ناشر: صدرا.
۳۴. مظفر، محمدرضا، (1388). المنطق، قم: اسماعیلیان.
۳۵. معرفت، محمدهادی، (1392). تاریخ قرآن، چاپ: چهاردهم، تهران: سمت.
۳۶. معرفت، محمدهادی، (1415). التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۷. مغنیه، محمد جواد، (1424). تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، (1371). تفسیر نمونه، چاپ: دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. نکونام، جعفر، (1378). «روش تفسیر ظاهر قرآن»، صحیفه مبین، ش 2.
۴۰. نیکزاد، عباس، (1389). صراط مستقیم: تقلیدی بر صراط‌های مستقیم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۹)، آزادی یا توطئه، قم، انتشارات فیضیه.
۴۲. اسلامی علی (۱۳۸۸)، پلورالیزم دینی از منظر قرآن، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۴۳. یوسفی، سحر، نقد و بررسی مستندات قرآنی مدعیان پلورالیزم، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۵، صص ۷۸-۱۰۲.
۴۴. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۶). تحلیل و نقد پلورالیزم دینی، قم، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

نسخه پیش انتشار: Pre-publication version
نسخه ویراستاری نشده: Unedited version